



ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

تیر و مرداد ۱۴۰۲  
صفحه ۳۶ | شماره ۷۹



♦ نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شاه بیت زیارت اربعین

♦ از اربعین تا قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

♦ همراهی زنان با امام حسین علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

♦ درنگی در انتظار عاشورایی

♦ و ...



هر که دارد سوز در سینه  
لله





ویژه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)  
تیر و مرداد ماه ۱۴۰۲  
نشریه الکترونیکی امان شماره ۷۹

**صاحب امتیاز:**

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

**سر دبیر:**

حجت الاسلام محمد رضا نصوری

**دبیر علمی:**

حجت الاسلام تقی حاتمی

**گرافیک و صفحه آرایی:**

زهرا رجیبی شیزری



بنیاد ملی فرهنگ امامت موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

تهران، میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز،  
طبقه چهارم  
تلفن: ۰۲۱۸۶۰۳۵۶۸۳  
۳۰۰۱۳۶۶ | سامانه پیامکی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از سوی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.





امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در زیارت ناحیه مقدسه:

فَلَا تَدْرِي بِبَنَاتِكَ صِبَا الْجَمَلِ وَمِيسَاءَ  
وَلَا بِكَبِيرِ الْبَيْتِ الْإِسْلَامِيِّ مَوْجِ دَمَائِمِ

هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گیرم.

مهدی عجل الله تعالی فرجه، ادامه حسین علیه السلام است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن.

مهدی عجل الله تعالی فرجه، فرزند حسین علیه السلام است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین دیگری را کشیدن.

یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛ یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛

یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛

«مهدی» عجل الله تعالی فرجه وارث عاشورا است؛ همچنان که «حسین» علیه السلام، وارث پیامبران است؛

عاشورا، دریچه ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا؛

فرهنگ عاشورا، دستمایه اساسی و مایه شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر انتظار است.

انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همه جهان و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز است

و چهره باطل، برای همیشه دفن می شود. انتظار همان کربلا است در وسعت همه زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع،

فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی» را - که با ساحت و فطرت انسان ها همگون است - لبیک می گویند.

انتظار، ثمره کربلا است. بدون کربلا، انتظار بی معنا است. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه، همه کربلایی اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و

آبدیده اند. مگر می توان بی عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی عاشورا، انتظار بی پشتوانه است. حرکتی جهانی و به وسعت

آمال همه انسانهای تاریخ، پشتوانه و عقبه ای می خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید. (۱)

مهدی عجل الله تعالی فرجه پرچم افتاده حسین علیه السلام را بر خواهد افراشت و آرمان های بلند او را تحقق خواهد بخشید.

مهدی عجل الله تعالی فرجه، بذری را که حسین علیه السلام در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت

گماشت، با دستان پرتوانش غرس خواهد کرد. «انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر» می خشکید.

برای ما دور ماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در کلاس «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که

حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین علیه السلام بودن است. آنان که در کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به

جان بخرند.

«عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان» با کوله بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهدی که با خدا و رسول بر

پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته اند، به انجام برسانند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (۲)

۱. پیامبر (ص) می فرماید: «ان لقتل الحسين حرارة في قلوب المؤمنين لا تبرد ابدا». مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹ ابواب المزار، ح ۱۳

۲. سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۳: «پس بعضی شان از دنیا رفتند، و بعضی دیگر منتظرند».

# ما ملت امام حسین

پروردگارا!

به محمد و آل محمد نعمت یاد امام حسین را  
روز به روز در کشور ما فراوان تر و مستدام تر بفرما.

روز چهارم از ایام سال  
حضرت آیت الله خامنه‌ای  
۱۴۰۱/۰۶/۲۶



پروردگارا! به محمد و آل محمد، نعمت یاد امام حسین را روز به روز در کشور ما فراوان تر و مستدام تر بفرما. پروردگارا! زبان‌هایی که با مدیحه‌ی حسین بن علی و خاندان پیغمبر حرکت میکنند، مورد لطف و برکت خودت قرار بده. پروردگارا! هیئتهای ما را، هیئتهای امام صادق پسند قرار بده؛ ما را سربازان جهاد عظیم این روزگار که «جهاد تبیین» است، قرار بده. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی امام عزیز ما و شهدای بزرگوار ما را با ارواح طیبه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) محشور بفرما؛ قلب مقدس فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری (سلام الله علیها) را از ما راضی و خشنود کن؛ دل مبارک امام زمان، ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ سلام ما و تحیات ما را به آن بزرگوار برسان و رضایت آن بزرگوار از ما را، شامل حال ما قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته





جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است. اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است.

بخشی از پیام رهبر انقلاب  
در پی جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد

## اشد مجازات برای عامل جسارت به قرآن مورد اتفاق علمای اسلام است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد را حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطر آفرین خواندند و تاکید کردند: اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد باید عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد.

### متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است. اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است.

وظیفه آن دولت آن است که عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد. توطئه‌گران پشت صحنه نیز بدانند که حرمت و شوکت قرآن کریم روز به روز افزون‌تر و انوار هدایت آن درخشان‌تر خواهد شد، امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیری از درخشش روزافزون باشند.

والله غالبٌ علیٰ امره  
سید علی خامنه‌ای



انوار هدایت قرآن کریم  
درخشان‌تر خواهد شد

۳۱ تیرماه ۱۴۰۲

# ضرورت امام شناسی در اسلام

یکی از معارف اصیل در اندیشه‌ی اسلامی بویژه شیعه، امام شناسی و معرفت حجت الهی در هر زمان است. این بحث از آن جا اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که پیوند عمیقی با مسئله‌ی نبوت دارد؛ زیرا به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی هدایت و مدیریت جامعه‌ی اسلامی و اجرای احکام دین و مقابله با انحرافات و بدعت‌ها را بر عهده دارد و مردم از چه کسی با چه اوصاف و خصوصیات باید پیروی کنند؟

به همین دلیل، مسئله‌ی امامت پس از نبوت، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسئله در جامعه‌ی دینی و اسلامی است. در آموزه‌های دینی بر ضرورت امام شناسی به عنوان یک تکلیف همگانی و فراگیر در دوران حضور ائمه علیهم السلام و عصر غیبت تأکید شده است؛ به گونه‌ای که هیچ عذری در این خصوص پذیرفتنی نیست. چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ؛ عذر هیچ کس از مردم [در پیشگاه خداوند] پذیرفته نیست، مگر اینکه امام خویش را بشناسند.»

بخار الأنوار، ج ۲۳، ص ۸۸

ابن عباس نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی اولین و آخرین وصی خود، که دنیا بدون او پایان نمی‌یابد فرمود:

«جانشینان و اوصیای من که پس از من حجت‌های پروردگار در میان مردم هستند، دوازده نفرند؛ اول آن‌ها برادرم و آخرین آنان فرزندانم خواهد بود. (عرض کردند: یا رسول الله! برادرت کیست؟) فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام، (عرض کردند: فرزندان کدام است؟) فرمود: مهدی علیه السلام؛ همان کسی که خداوند به وسیله‌ی او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان بلند گرداند تا فرزندم مهدی علیه السلام خروج کند و آن‌گاه عیسی روح الله از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند و زمین از نور خداوند روشن خواهد شد و حکومت مهدی علیه السلام بر شرق و غرب عالم گسترش خواهد یافت.»

(کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰)

در این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله، جمله شرطیه «لَوْ لَمْ يَبْقَ... لَطَوَّلَ اللَّهُ...»، ضمن آن که بیانگر ظهور حتمی حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان است، بر لزوم وجود امام تا قیامت نیز دلالت دارد؛ زیرا پایان عمر دنیا به ظهور آن حضرت مشروط شده است.

در نگاه شیعه، امامت، تداوم خط رسالت است و امام به عنوان وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله با نصب الهی، امر رهبری و پیشوایی جامعه‌ی اسلامی و هدایت و مدیریت امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده دارد.

در منابع روایی شیعه، احادیث زیادی درباره نقش محوری امام و وابستگی جهان به او، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. در اینجا به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

از امام عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

زمین تا روز قیامت از حجت الهی بر بندگانش خالی نمی‌ماند.» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹)

از امام باقر علیه السلام نیز منقول است که فرمود:

«اگر زمین یک روز بدون امامی از ما خاندان باقی بماند، اهلش را فرو خواهد برد و خداوند آن‌ها را به اشد عذابش عقاب خواهد کرد. خدای تعالی ما را حجت در زمینش و وسیله‌ی امان اهل زمین قرار داده تا در میان ایشانیم، پیوسته در امان اند و زمین آن‌ها را در کام خود فرو نخواهد برد و چون خداوند اراده فرماید که آن‌ها را هلاک سازد و مهلنتشان ندهد و به تأخیرشان نیندازد، ما را از میان آن‌ها بیرون و به سوی خود بالا خواهد برد، سپس هر چه خواهد و دوست داشته باشد، انجام خواهد داد.»

(دلائل الإمامة، ص ۴۳۶)

ابوحمزه‌ی ثمالی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «آیا زمین بدون وجود امام باقی خواهد ماند؟» حضرت در پاسخ فرمود:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ؛

اگر زمین بدون وجود امام (واسطه فیض) بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد.»

هم‌چنین روایت شده است:

«محمد بن فضیل گوید که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام باقی خواهد ماند؟ حضرت فرمود: «خیر». عرض کردم: از امام صادق علیه السلام برای ما روایت شده است که اگر خداوند بر اهل زمین یا بر بندگانش غضب کند، زمین بدون امام خواهد ماند! حضرت فرمود: «در آن صورت زمین باقی نخواهد ماند و متلاشی خواهد شد.»

(الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹)





ابراهیم ابن ابی محمود از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود:

«ما حجت‌های الهی روی زمین و جانشینان خدا در میان بندگانش هستیم... زمین هیچ‌گاه از قائمی از ما خالی نمی‌ماند؛ چه آشکار باشد، چه در حال ترس (مخفی) و اگر روزی امام در زمین نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می‌برد، همان‌گونه که امواج دریا انسان را در کام خود فرو می‌برد.»

در روایت دیگری سلیمان بن جعفر حمیری گوید: از محضر امام رضا علیه السلام سؤال کردم:

آیا زمین از حجت خالی می‌ماند؟ حضرت فرمود:

«لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ اگر زمین به اندازه‌ی چشم به هم زدنی از حجت خالی شود، اهلش را در خود فرو برد»

(عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲)

بر اساس این روایات، زمین تا فرا رسیدن زمان قیامت، هیچ‌گاه از وجود حجت حئی و امام معصوم خالی نبوده و نخواهد بود؛ زیرا امام محور عالم وجود است و همان‌گونه که بقای نظام هستی به وجود امام معصوم وابسته است، فلسفه‌ی خلقت انسان و جهان نیز به وجود او باز می‌گردد.

در این زمینه از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است:

«ما امام مسلمانان و حجت الهی بر جهانیان و سرور اهل ایمان و پیشوای روسفیدان روز قیامت و اولیای مؤمنان هستیم. ما سبب امنیت و آرامش اهل زمینیم؛ همان‌گونه که ستارگان سبب ایمنی اهل آسمان اند. ماییم کسانی که خداوند به خاطرشان زمین را از نابودی با اهلش باز می‌دارد و باران را می‌باراند و رحمتش را می‌گستراند و برکات زمین را خارج می‌کند. اگر ما در زمین نبودیم، زمین با اهلش فرو می‌پاشید.»

(کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷)

امام در نظام تشریح نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که کسب معرفت او بر همه واجب و اطاعت از او عیار اطاعت از خداست. در این رابطه حضرت صادق علیه السلام در دعایی که به جناب زراره تعلیم داده این‌گونه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»

بر اساس این کلام نورانی، اگرچه معرفت توحیدی، مبدأ و سرآغاز دیگر معرفت‌هاست، به گونه‌ای که معرفت پیامبر و امام در پرتو آن حاصل می‌شود، اما کلید معرفت توحیدی و نبوی، کسب معرفت امام و حجت الهی است.



## ادله ضرورت وجود امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

روایت دیگری نیز به این دو مطلب (ضرورت وجود حجت الهی و عدم منافات آن با غیبت حجت الهی) اشاره کرده و چگونگی بهره مندی مردم از وجود امام در زمان غیبت را بیان فرموده است:

«عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْبُدِ اللَّهُ قَالَ سَلِيمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عَ فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالسَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ؛

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هیچ برهه ای از زمان - از وقتی که آدم خلق شد - ، زمین خالی از حجت الهی نبود. حال یا ظاهر و شناخته شده بود یا غایب و پوشیده و پنهان. نیز از حجت الهی خالی نخواهد ماند تا روز قیامت، چرا که اگر حجت الهی بر روی زمین نباشد، خدا عبادت نمی شود. سلیمان [ راوی حدیث ] پرسید: پس مردم چگونه از حجت الهی که غایب است و مستور و پنهان، بهره مندی شوند؟

فرمود: همانگونه که از خورشید زمانی که ابرها آن را پوشانده بهره مندی شوند.»

(همان)

ادله «ضرورت وجود امام»، لزوم وجود امام و حجت الهی را در هر عصری بیان می کند و این با «ضرورت حضور امام» متفاوت است. آنچه که ما در غیبت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ داریم، عدم حضور امام است، به صورت آشکار در میان امت، نه عدم وجود امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در میان امت.

بنا بر این منافاتی بین این دو مطلب نیست. یعنی به حکم ادله ضرورت وجود امام، معتقد به وجود امام، در زمان غیبت هستیم؛ ولی به خاطر وجود برخی موانع، این وجود ظاهر و آشکار نشده است به گونه ای که هر کسی که بخواهد بتواند با او دیدار کند.

شاید سؤال از این جاننشات گرفته باشد که ادله ضرورت وجود امام، امام را اثبات می کند که به امور امت رسیدگی کند و آنان را هدایت کند و چون امام غایب است و مردم نمی توانند به راحتی به حضور ایشان برسند، پس اصلا مفید نخواهد بود و وجودش مثل نبودش می باشد.

پاسخ این است که حضور قابل دسترس امام در میان امت، یکی از فواید وجود امام است، نه همه فواید او. بسیاری از فواید و خیرات است که بر وجود امام مترتب است و وجود امام برای تحقق آن ها ضروری است.

بنابراین حضور امام ثمرات بسیاری دارد، از جمله هدایت تکوینی و وساطت فیض برای عالم که از شیون تکوینی امام است و بستگی به حضور ظاهری امام در میان امت ندارد.

به همین علت است که وجود امام غایب در بیان پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خورشیدی می ماند که پشت ابرها پنهان است. مردم خورشید را نمی بینند و به طور کامل از نور آن برخوردار نیستند، ولی این گونه هم نیست که از اساس از نور خورشید بی بهره باشند. چرا که وقتی خورشید در آسمان است اما پشت ابر باز روز است و با شب متفاوت است که شب زمان نبود خورشید است.

نور کم خورشید پشت ابر، زندگی را تداوم می بخشد. اگر همین نور کم نبود، مانند شب همه جا را ظلمت و تاریکی و مرگ و ناامیدی فرا می گرفت.

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: شیعه در زمان غیبت قایم از وجود ایشان بهره می برد؟ پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

بلی قسم به آن کسی که مرا به نبوت برگزید، شیعیان به وجود و به نور ولایت او در زمان غیبت منتفع می شوند و کسب نور می کنند مانند انتفاع و بهره مندی از خورشید، هر چند زمانی باشد که ابرها آن را پوشانده باشند. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳-۹۲)





# حقوق ائمه علیهم السلام چیست؟

علی اقلیدی نژاد

## ج. الگوپذیری

از دیگر حقوق و انتظاراتی که عنایت امامان معصوم علیهم السلام را در پی دارد، الگوپذیری است، قرآن کریم می فرماید: «مسلماً برای شما در [زندگی] رسول خدا سرمشق و الگویی نیکو بود.» (احزاب/۲۷) بر همین مبنا می توان نتیجه گرفت از آنجا که ائمه علیهم السلام جانشینان پیامبری باشند، آنان نیز الگو و سرمشق به شمار می روند. قرآن کریم الگو برداران حقیقی را دارای سه ویژگی مهم می داند:

۱. به خداوند امید داشته، مبدأ هستی را می شناسند.
۲. معاد را شناخته و به آن روزگار چشم امید دوخته اند.
۳. همواره به یاد خداوند هستند.

به راستی نیز که چنین باید باشد؛ زیرا الگو برداری میوه دو نهال معرفت و محبت است؛ اما این میوه بدون آفتاب درخشنده «امید و انتظار» به بهره برداری نمی رسد و در جوهره خود هنوز رنگی از ناپختگی و سختی دارد. حتی پس از امید نیز نمی توان در این راه بی محابا گام برداشت؛ چرا که دشواری ها یکی پس از دیگری ممکن است خورشید امید را به غروب ناامیدی ببرد. اما در اینجا تنها یاد و ذکر خالق و گرداننده امور است که می تواند بر این غروب نامبارک پیروز گشته، ابرهای تیره یأس را به کنار زند و سالک را در مسیر الگوگیری یاری رساند. فقط در این مراحل است که شیعه می تواند از عمق جان ترانه عاشورا را بسراید و زمزمه کند: «پروردگارا، زندگی و مرگم را همچون زندگی و مرگ محمد و خاندانش قرار ده.» (زیارت عاشورا)

و یا در جایی دیگر ادعایی گرانسنگ نماید و بگوید: «إِنِّي سَلَمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ وَ حَزَبٌ لِمَنْ حَازَكُمْ وَ وَ لِي لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُولِمَنْ عَادَاكُمْ: من در صلح هستم با کسی که با شما در صلح است و در ستیزم با کسی که با شما در ستیز است و دوستم با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما.» (همان)

## الف. حق دوستی

در این باره می توان به آیه مودت اشاره کرد. قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى: [ای رسول خدا] بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که به خویشاوندانم مودت بورزید.» (شوری/۲۳)؛ اما نکته سزاوار اشاره آن است که اگرچه دوستی اهل بیت علیهم السلام در بسیاری از نوشته ها به عنوان یکی از حقوق دانسته شده است؛ اما باید دانست که دوست داشتن نمی تواند به عنوان یک تکلیف به مانند دیگر تکالیف درخواست شود؛ زیرا دوستداری صفتی نفسانی است. از اینرو، درست تر آن است که محبت یکی از رهاورد های معرفت به شمار آید؛ به این معنا که پس از شناخت کمالات ائمه علیهم السلام، این صفت در شخص ایجاد خواهد شد. البته ممکن است پس از شناخت نیز محبت حاصل نگردد؛ مثل بسیاری از کفار و منافقین که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را می شناختند و فضایل آنان را کاملاً می دانستند و هیچ محبتی نیز نداشتند و گاه کینه ای عمیق از آنان در دل داشتند. ولی برای محبت راهی جز معرفت نیست. به این لحاظ محبت را می توان حقی دانست که از پی معرفت می آید و سپس جلوه های عملی می یابد. شاید به همین خاطر بتوان آیات و روایاتی را که در مورد مودت اهل بیت علیهم السلام است، مرتبط با جلوه های رفتاری محبت دانست. بنابراین، رفتارهای حاکی از محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام از جمله حقوق آنان نسبت به پیروانشان محسوب می شود.

از این رو، احترام و رعایت ادب نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین ائمه علیهم السلام نیز از مصادیق همین جلوه ها به شمار می رود.

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ: آنها که صدای خود را نزد رسول خدا پایین می آورند، همان کسان اند که خداوند دلهايشان را برای تقوا امتحان نموده و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است.» (حجرات/۳)

## ب. اطاعت و فرمانبری

پس از عبور از مراحل معرفتی و صعود به مرحله محبت و جلوه های رفتاری آن، می توان گام در راه اطاعت و فرمانبری گذارد. آن گاه که بدانیم اطاعت از معصومان علیهم السلام دنباله فرمانبرداری از خداوند تبارک و تعالی و فرستاده مکرم او است و ائمه علیهم السلام مظاهر و جلوه های صفات ربانی و اولیای او هستند، می توان این حق را نیز به مقام اجابت رساند؛ چرا که مشمول این آیه مبارکه می باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را»

(نساء/۵۹)

البته پیرو، در مرحله اطاعت متوقف نخواهد شد، بلکه با طی مراحل کمالی از اطاعت گذشته تا مرحله بالاتر، یعنی تسلیم پیش خواهد رفت.





## معرفت، محبت و اطاعت

یکی از مشکلات امروزی در فرهنگ عمومی ارتباط با ائمه علیهم السلام، عدم توازن مناسب بین معرفت و محبت است. همین امر هم باعث تأکید بر محبت گردیده و سوء تفاهم هایی را به وجود می آورد.

مسئله، زمانی شکل حادثتر به خود می گیرد که محبت از سوی برخی دینداران به بهانه ایجاد روح امید به شکلی افراطی در بدنه فرهنگی جامعه تزریق می گردد. بسا مداحان، مبلغان و افرادی که با غفلت و به دور از همه جانبه نگری بر طبل عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام می کوبند، بدون آنکه این گونه روایات مطلق را در کنار دیگر روایات مقید و مشروط بنشانند تا نتیجه ای منطقی به دست آورند.

## گونه شناسی روایات دوستداری اهل بیت علیهم السلام

این روایات به دو گروه کلی تقسیم می گردند:

**گروه اول:** روایاتی که به صورت مطلق بر دوستداری اهل بیت علیهم السلام تأکید می کنند و آن را شرط کافی

برای رسیدن به ثواب ها و بخشش گناهان می شمارند که از باب نمونه به برخی اشاره می نماییم:

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «محبت علی، گناهان را می سوزاند، همان گونه که آتش هیزم را می سوزاند.»

بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۶۶

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس ما را دوست بدارد و خدا را دیدار کند، در حالی که به قدر کف دریا دارای گناه باشد، بر خدا حق است که او را بیامرزد»

همان، ج ۲۷، ص ۱۲۱

**گروه دوم:** روایاتی که حب اهل بیت علیهم السلام را شرط لازم اما ناکافی می شمارند. این دسته از روایات مسئله نجات بخشی حب اهل بیت علیهم السلام را مشروط به موارد زیر می سازند:

۱. حب اهل بیت علیهم السلام می بایست در کنار دیگر عبادات قرار گیرد و رابطه ای متوازن میان محبت، عبادت و اطاعت برقرار شود. امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت رها کنید و نه محبت اهل بیت و تسلیم آنان بودن را با تکیه بر عبادت؛ زیرا هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نمی شود.» (فقه الرضا، ص ۳۳۸)

۲. حب اهل بیت علیهم السلام بر اساس منافع شخصی و دنیوی نباشد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس ما را و دوستدار ما را دوست بدارد، نه برای اینکه از این راه به بهره ای دنیوی برسد و با دشمن ما دشمنی کند، نه به خاطر کینه ای که نسبت به او در دل دارد؛ آن گاه این چنین فردی در روز قیامت بیاید، در حالی که به قدر شن های متراکم صحرا و کف دریا دارای گناه باشد، خداوند تعالی او را می آمرزد.» (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۴)

۳. نجات بخشی ارتباط محبانه با اهل بیت علیهم السلام محدود به گناهی است که در آن اصرار بر گناه و ظلم به مؤمنین نباشد. رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرمایند: «محبت ما خاندان، گناهان را می پوشاند و حسنات را دو چندان می سازد و خداوند از جانب دوستان ما آنچه را از مظالم بندگان بر ذمه آنهاست بر عهده می گیرد، به استثنای اعمالی که با اصرار و به عنوان ستم بر مؤمنین انجام شده باشد، آنگاه به گناهان می گوید: تبدیل به حسنات شوید.»

ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۳

۴. محبت بهانه ای برای معصیت نباشد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «ای جابر! سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنان اعلام کن که میان ما و خدای عزوجل خویشاوندی نیست و کسی جز با اطاعت و بندگی به او تقرب نمی یابد. ای جابر! هر که خدا را فرمان ببرد و ما را دوست بدارد، دوست ما است و هر که نافرمانی خدا کند، محبت ما به حالش سودی ندارد.»

بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۹

## سخن آخر

با تأمل در آنچه گفته شد، می توان دریافت که شور و شعور، هر دو مکمل یکدیگرند؛ اما آنچه شوری حقیقی را نتیجه می دهد، جز شعور نیست. بنابراین، با معرفت و رابطه ای عارفانه است که می توان گام در راهی چنین عاشقانه گذاشت.



# «دفاع از امام و نصرت او» تنها بستر

## «دفاع از توحید و نصرت خدا»

### نصرت اولیای الهی تنها بستر نصرت خدای متعال

خداوند در سوره مبارکه زخرف می فرماید: زمانی که فرعونیان طغیان کردند و ما را به «أسف» آوردند، از آنها انتقام گرفتیم: «چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم، پس همه را غرق کردیم» برای این که به «أسف آوردن خدای متعال» درست معنا شود و به معنی تشبیه به مخلوقات گرفته نشود، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«او مثل مخلوقات متأثر نمی شود بلکه اولیایی دارد که آنها مخلوق و مربوطند و تأسف و رضا دارند. خدای متعال رضای آنها را رضای خود و سخطشان را سخط خود قرار داده است». «لَإِنَّهُ جَعَلَهُمُ الدُّعَاةَ إِلَيْهِ وَ الْآدَاءَةَ عَلَيْهِ فَلِذَلِكَ صَارُوا كَذَلِكَ» (الکافی ج ۱ ص ۱۴۴) و دلیلش هم همین است که آنها «داعی» و «دلیل الی الله» هستند. هم شروع دعوت از اوست و هم راهنمایی در طول راه. نباید گمان کنیم این مابیم که سیر به سمت خدای متعال و ولی الله را شروع می کنیم. بلکه با دعوت او شروع می شود. پس، «ان تنصروا الله» یعنی «ان تنصروا رسوله» شاهدش هم آیات قرض به خدای متعال است که به صله امام تفسیر شده است. در کافی فرمود:

امام صادق علیه السلام فرمودند: کاری نزد خدا محبوبتر از رسانیدن دراهم به امام نیست. همانا خدا درهم امام را در بهشت مانند کوه احد قرار می دهد.

خدای تعالی در کتابش می فرماید «کیست که بخدا وامی نیکو دهد تا خدا وام او را بسیار چند برابر سازد».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بخدا این وام خصوص صله به امام است».

اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۲ ص ۴۸۸ و مزد این قرض نیز به «اضعاف کثیر» است. «اضعاف کثیره» نیز به معنای «مالا یحصى» است. یعنی مزد آن از شماره و حساب بیرون است.

### حجت الاسلام والمسلمین میرباقری

### ویژگی ها و لوازم نصرت امام

در زیارت نامه های اصحاب سیدالشهداء علیه السلام تعابیر خاصی در باب ایشان موجود است. مثلاً در کتاب مزار شهید اول آمده است که: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنْصَارَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ أَنْصَارَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَنْصَارَ الْإِسْلَامِ» و یا می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الدَّابُّونَ عَن تَوْجِیدِ اللَّهِ» اگر ما دوست داریم که از یاران امام زمان علیه السلام باشیم باید این صفات یاران امام حسین علیه السلام را تحصیل کنیم. یکی از آن صفات، «نصرت خدای متعال» است. آن چنان که در زیارت توضیح داده اند این نصرت همان نصرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام است.

### راه باقی ماندن نعمات، بازگرداندن امکانات و داشته ها به خدای متعال

ما باید بدانیم که خدای متعال، محتاج نصرت کسی نیست. در سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله، خدای متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ». امیر المومنین علیه السلام در توضیح این آیه شریفه می فرماید: «وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَي أَنْفُسِكُمْ وَ لَا تَبْخُلُوا بِهَا عَنْهَا فَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ وَ قَالَ تَعَالَى مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲) یعنی جسم خود را خرج جانتان کنید و از این کار بخل نورزید. شما اگر دین خدای متعال را یاری کنید و شهید شوید به خود بخشش کرده اید. در واقع حیات این دنیا را خرج «حیات طیبه» و «دار البقاء» کرده اید. با این حال خدای متعال این کار شما را یاری خودش فرض کرده و به عنوان مزد، شما را نیز یاری می کند. با این خرج کردن جسم برای جان، خدای متعال انسان را به ثبات قدم و حیات طیبه می رساند: «يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ».

در باب انفاق هم این تعابیر آمده است. جان و مالتان را خرج ثبات قدم خود کنید برای اینکه خودتان بمانید. کسی که در کشتی است در زمان طوفان، سرمایه و مالش را به دریا می اندازد تا خودش بماند. ولی این جا در دریا انداختن نیست بلکه معامله با خدای متعال است. ما باید بدانیم که نمی توانیم چیزی را نگه داریم. ما خودمان فانی هستیم پس چطور می خواهیم جان یا مالمان را نگه داریم؟ ولی خدای متعال که باقی است و سرچشمه بقاست هر چه به او برسد را به بقاء می رساند. هر چه در دست ما بماند فانی است. امامان که «شفعاء دار البقاء» هستند ما را از «دارالفناء» به «دارالبقاء» می برند و فانی را باقی می کنند چون امام همان وجه الهی است که باقی است. «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». در باب انفاق هم این تعابیر آمده است.

جان و مالتان را خرج ثبات قدم خود کنید برای اینکه خودتان بمانید. کسی که در کشتی است در زمان طوفان، سرمایه و مالش را به دریا می اندازد تا خودش بماند. ولی اینجا در دریا انداختن نیست، بلکه معامله با خدای متعال است. ما باید بدانیم که نمی توانیم چیزی را نگه داریم. ما خودمان فانی هستیم پس چطور می خواهیم جان یا مالمان را نگه داریم؟ ولی خدای متعال که باقی است و سرچشمه بقاست هر چه به او برسد را به بقاء می رساند. هر چه در دست ما بماند فانی است. امامان که «شفعاء دار البقاء» هستند ما را از «دارالفناء» به «دارالبقاء» می برند و فانی را باقی می کنند چون امام همان وجه الهی است که باقی است. «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (الرحمان/۲۷)





# مارعاجام

خوب از تو گذرد که منند ما بخوانند



## ضرورت توجه «انصار اولیاء الله» به بی نیازی امام از «نصرت ایشان» و نیاز آن ها به این «نصرت»

در صله یا نصرت امام هم، باید دانست که امام، محتاج مال یا جان او نیست. لذا در روایت است که اگر کسی به امام صله ای برساند ولی گمان کند که امام محتاج صله او بوده «مشک» است. اگر امام صله ما را می گیرد به خاطر خود ماست. در قرآن آمده است که «خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳) یعنی رسول خدا با قبول صدقاتشان، نه مالشان بلکه جانشان را تزکیه می کند. پس اگر کسی جانش را بدهد چه می شود؟ امام، معدن طهارت و قدس است بنابراین قبول صدقه توسط امام موجب تزکیه می شود. بعد از پذیرش صدقات نیز خدای متعال می فرماید: «بر آنها صلوات بفرست تا به سکینه برسند» چون در حال عطا مالشان ممکن است دچار اضطراب شوند. صلوات تو باعث می شود که آنها به سکون نفس و مقام جود و سخا برسند و با طمأنینه اموالشان را بدهند. لذا امام، مال یا جان را می پذیرد و شخص را تطهیر می کند و آنچه را گرفته به بقاء می رساند و وارد «دار البقاء» می نماید و با صلوات خود به انسان، «سکون، اطمینان نفس و سخاوت» می بخشد.

## نصرت امام، دفاع از توحید است و انصار ائمه «الذابون عن الله» هستند

اگر اصحاب سید الشهداء علیهم السلام که خودشان را وقف یاری امام خود کرده اند «الذابون [مدافعان] عن توحید الله» خوانده شده اند به این دلیل است که ائمه علیهم السلام، ارکان توحید و دعائم دینند. چون ایشان «داعی الی الله» اند و تا دعوت ایشان در عالم تجلی نکند توحید در عالم ظاهر نمی شود و تا نور ایشان که «مَثَل نور الهی» است نتابد کسی به توحید نمی رسد. لذا دفاع از چنین شخصیتی، «الذب عن توحید الله» است.





## به صوتِ حجازیِ قرآنِ مهدی... Ahrar\_group

### آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی انبیاء

در این آیه‌ی شریفه آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛

ما پس از تورات در کتاب زبور چنین نوشتیم که در آینده، صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل این آیه نقل شده است:

«فَبَشَّرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ وَيَزِجَعُونَ إِلَى الدُّنْيَا وَيَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ؛

خداوند با نزول این آیه به پیامبرش بشارت داد که اهل بیتش سراسر جهان را تصرف خواهند کرد و

[آنانی که از دنیا رفته‌اند] به این دنیا باز خواهند گشت و دشمنانشان از بین خواهند رفت.»

از امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز در تفسیر آیه‌ی فوق روایت شده است:

«أَلْ مُحَمَّدٌ وَمَنْ تَابَعَهُمْ عَلَى مِنْهَا جَهَنَّمَ؛

مراد از آیه، آل پیامبر صلی الله علیه و آله و کسانی اند که از شیوه‌ی ایشان پیروی می‌کنند.»

هم چنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛

مراد از سخن خدای عزوجل، که بندگان صالح، زمین را به ارث خواهند برد،

یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان است.



# تَمَامِ هَسْتِي بِاِتْوَاقِيْمَتِ مَرِّ كِيْرِدْ!

## غیبت امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ (قسمت چهارم)

حجت الاسلام قنبر علی صمدی

### فواید و آثار امام غایب

غیبت امام دوازدهم به معنای انقطاع او از جامعه نیست، بلکه ایشان در جامعه به طور ناشناس و غائبانه، حضور تأثیرگذار دارد. اگرچه غیبت امام موجب محرومیت جامعه از رهبری و مدیریت مستقیم ایشان شده است، اما تصرفات ولایی و آثار و برکات ناشی از شئون امامت آن حضرت، هیچ گاه تعطیل نمی شود و هم چنان عنایات و اشراف مستقیم و غیرمستقیم آن حضرت، شامل حال مردم خواهد بود. امام غائب در روایات به خورشید پس ابر تشبیه شده است؛ چراکه در بینش اعتقادی شیعه، وجود مقدس امام، چه در حال غیبت و چه در حال ظهور، حجت الهی بر بندگان و رابط میان خلق و خالق است و هم چون خورشید عالم تاب، مربی و هادی انسان هاست. فواید امام غائب به لحاظ نوع اثر، به دو گونه ی تکوینی و تشریحی تقسیم می شود. فواید تکوینی امام غائب، ناظر به فیض وجود انسان، جهان و نعمت های مادی و معنوی است که همه ی ممکنات را در بر می گیرد. مراد از فواید تشریحی امام غائب نیز ابعاد هدایت بخشی مستقیم و غیرمستقیمی است که در پرتو عنایات ویژه ی آن حضرت نصیب فرد و جامعه می شود. در اینجا به برخی از فواید امام غائب در عرصه ی تکوین و تشریح اشاره می شود:

### یک. واسطه ی فیض وجود

در تفکر اعتقادی شیعه، واسطه ی فیض میان خلق و خالق، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه طاهرین ﷺ هستند و فیض الهی از طریق آن ذوات مقدس به مخلوقات عالم افاضه می شود. امام صادق ﷺ در این باره فرمود: «نَحْنُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ ما اهل بیت، واسطه ی میان شما و خداوند هستیم.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۰۱)

در این عصر و زمان، واسطه فیض، حضرت مهدی ﷺ است؛ زیرا واسطه ی فیض در هر زمانی، حجت حی الهی در همان زمان است. پیش تر اشاره شد که زمین هیچ گاه از وجود حجت خدا خالی نمی ماند، و گرنه زمین و اهلیش فرو ریخته و ساقط می شوند: «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا». (همان، ص ۲۹) منظور از «حجت» در روایت، امام حی است و مراد از «ارض» نه فقط کره ی خاکی، که همه ی کائنات است و همه ی عالم را شامل می شود.

### دو. واسطه ی دریافت نعمت

همه ی نعمت های مادی و معنوی از مجرای ولایت امام بر دیگر مخلوقات سرایت دارد. از این رو امام زمان ﷺ واسطه ی نعمت، کانون عالم هستی، مایه ی ثبات آسمان و زمین و علت ارتزاق مخلوقات معرفی شده است: «بَيْنَهُ رِزْقُ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَ بِهِ يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ به برکت وجود او همگان روزی می خورند و به سبب وجود او زمین و آسمان پابرجاست و به واسطه ی او زمین از عدل سرشار می شود، پس از آنکه ظلم فراگیر شده باشد.»

(مفاتیح الجنان، دعای عدیله، ص ۴۲۳)

امام هادی ﷺ نیز در زیارت جامعه کبیره، جایگاه محوری امامان را چنین توصیف می کند:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْبُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ...؛

خداوند با شما آغاز می کند و به شما ختم می کند و به برکت شما باران را فرو می بارد و به یمن وجود شما آسمان را نگه می دارد تا بر زمین سقوط نکند.» (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵)

از این رو امام باقر ﷺ به همگان سفارش فرمود تا خواسته های خویش را با واسطه اهل بیت ﷺ از خدا طلب کنند:

«مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَمَنْ دَعَاهُ بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ؛ هرکس خدا را به ما بخواند رستگاری گردد و هرکس خدا را به غیر ما بخواند نابود می گردد و نابود می گرداند.» (الأمالی، شیخ طوسی، ص ۱۷۲)



## سه. واسطه‌ی معرفت و عبودیت

دریافت فیض معرفت و رسیدن به مقام عبودیت خدا، تنها از راه معرفت ولی معصوم ممکن است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَبِنَا وَجِدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ به وسیله‌ی ما خدا پرستش و شناخته شد و به وسیله‌ی ما اعتقاد به یگانگی خدا تحقق یافت و محمد صلی الله علیه و آله حجاب خداست». (الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵)

آن موجودات قدسی، حجت‌های الهی بر بندگان اند و خداوند آنان را برای دین‌داری بندگان و ثواب و عقاب آنان، شاخص و حجت قرار داده است.

## شش. احیاگر روح امید

یکی از آثار وجود امام غایب، امیدبخشی و دمیدن روح زندگی، پس از سرخوردگی و ناامیدی فراوان است، تا احساس تشنگی به عدالت در فرد فرود جامعه زنده بماند. امام صادق علیه السلام به منصور صیقل فرمود: «يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بِعَدَايَايَ؛ ای منصور! این امر (ظهور حکومت عدل الهی) به سراغ شما نمی‌آید، مگر پس از ناامیدی از حکومت‌های بشری و غیر الهی.». (الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰)

نیز از ابی سعید خدری نقل شده است:

«ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِلَاءَ بَصِيبٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأَ يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْتَغِيَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عَشْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا، كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله از بلایی خبر داد که این امت به آن گرفتار می‌شود؛ به گونه‌ای که کسی از کثرت ظلم و ستم جایی نمی‌یابد تا بدان پناه برد. آنگاه است که خداوند مردی از خاندان او را ظاهر می‌کند که جهان را پراز عدل و قسط می‌نماید، همان‌گونه که پراز ظلم و ستم شده بود.»

(عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار، ص ۴۳۶)

این حدیث گویای آن است که یأس و ناامیدی مردم، پس از درک ظلم و ستم فراوان حاصل می‌شود؛ این تجربه‌ی تلخ، بشر را وادار خواهد کرد تا به نجات بخش موعود روی آورد.

## چهار. باعث دفع بلاء

امام مایه‌ی امنیت و آرامش انسان‌ها و سبب دفع بلا از آنان است؛ چنان‌که در کلمات خود امام عصر علیه السلام آمده است: «وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛ من مایه‌ی امان اهل زمین هستم.» (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۹)

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي؛ من خاتم اوصیا هستم و به خاطر من، خدا بلا را از اهل و شیعیانم دور می‌کند.» (الغیبة للطوسی، ج ۱، ص ۲۴۶)

مراد از «اهل» در این روایت، خانواده نیست؛ بلکه همه‌ی کسانی که در زمره‌ی پیروان اهل بیت علیهم السلام هستند را شامل می‌شود و «واو» در «وَ شِيعَتِي» عطف تفسیری است.

## پنج. حافظ دین و مذهب

امام حافظ اصالت دین است؛ چراکه اگر او رهبری نکنند، دین دستخوش انحرافات می‌شود. منظور از حفظ شیعه، حفظ کل دین و تفسیر معصومانه از دین است.

در توفیق صادر شده از ناحیه‌ی امام عصر علیه السلام خطاب به شیخ مفید چنین آمده است: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ ما در رسیدگی به شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.» (الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷)

بدون شک با وجود خفقان شدید در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس، حفظ خط تشیع، مدیون و مرهون ائمه علیهم السلام، مخصوصاً امام عصر علیه السلام است.







عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

# آثار ظهور امام زمان

یکی از خواسته های بنیادین بشر خسته ی امروز، یافتن دور نمایی از آینده ای روشن و پر امید است که از بدو پیدایش انسان و هبوط حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تاکنون، بشارت فرارسیدن آن داده شده است: آینده ای درخشان که شکوه و عظمت آن، دل های مالمال از انتظار و شوق را مدهوش خود کرده و همین جذابیت، بستر طرح پرسش های گوناگونی درباره آن شده است. یکی از این پرسش ها درباره آثار و تحولات ظهور و موعود ادیان است. باید گفت در این دوره بشر شاهد تحولات شگرفی در زمینه های مختلف خواهد شد که همگی در راستای تکامل جامعه بشری قرار دارند.

تکامل بشر و جامعه بشری به معنای شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن همه امکان ها و استعدادها و ظرفیت های آن است. از طرفی باید توجه داشت که بشر و جامعه بشری دارای استعدادهای متعدد و متنوعی است که تکامل حقیقی با شکوفایی و به فعلیت رسیدن همه آنها تحقق می یابد. از آنجا که بشر موجودی دو بعدی است، برخی از این استعدادها و در نتیجه، برخی از این ابعاد تکامل، ناظر به زندگی مادی و برخی دیگر، ناظر به بعد معنوی و اخلاقی بشر است. از این رو تکامل حقیقی بشر - که وعده ی تحقق آن در عصر ظهور آورده شده است - همه ی جنبه های حیات بشری را در بر می گیرد و پاسخ گوی همه ی نیازها و خواسته های وی - چه در دایره امور معنوی و چه در قلمرو امور مادی - خواهد بود. در اینجا می کوشیم تا دورنمایی از مهم ترین ابعاد جامعه ی بشری در آن عصر طلایی را به کمک احادیث و روایات به دست آوریم.

## یک. تکامل فکری

در زمان ظهور و برپایی دولت کریمه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام سطح اندیشه و فکر مردم به نحو چشم گیری بالایی رود. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَيَّ رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَعْلَامَهُمْ؛ وقتی که قائم ما قیام می کند، خدا دست لطفش را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل های پراکنده ی آنها را جمع می کند و اندیشه آنان را به حد کمال می رساند». (کافی، ج ۱، ص ۲۵)

## دو. رشد معنویت و اخلاق

یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود را می توان در وادی معنویت و اخلاق جست و جو کرد. متأسفانه در دنیای کنونی در کنار توسعه ی صنایع و علوم، شاهد روند نزولی سیر بشریت در حوزه اخلاق بوده ایم؛ اما در آن دوران طلایی، رشد جنبه های مختلف حیات بشری، چه مادی و چه معنوی، متوازن خواهد بود.

امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «خداوند در آخر الزمان مهدی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نیست، مگر این که اصلاح گردد». (به نقل از اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴)

حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از رخت بر بستن بدی ها و ناراحتی ها و جایگزین شدن خیر و نیکی به جای آن در این دوران خبر می دهد. (الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷)

و در جای دیگر می فرماید: «وَلَدَّهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ کینه توزی از دل های بندگان خارج می شود» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶) همه ی این امور از استقرار و بسط اخلاق و معنویت حکایت دارد.

## سه. رشد علم و فرهنگ اسلامی

از دیگر موارد پیشرفت و تکامل بشری در این دوران، بالا رفتن آگاهی های دینی و مذهبی همگان است.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «در روزگار مهدی به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش به طریق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کند». (همان، ج ۵۳، ص ۳۵۲)

## چهار. جهان شمولی اسلام (دین حق)

یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود، رشد، توسعه و فراگیر شدن آیین حق (اسلام) خواهد بود. در این دوران، ادیان دروغین و ساخته ی اوهام بشری و نیز ادیان تحریف شده رخت بر بسته و پرتو دین حق، سراسر پهنای این کره خاکی را در خواهد نوردید.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه ۳۳ توبه می فرماید: «در آن زمان کسی باقی نمی ماند، مگر آن که به رسالت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتراف و اقرار کند». (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷)

## پنج. شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی

در پرتو تحول فرهنگی و اخلاقی بشر و رشد تقوا و نیکی ها، نعمت های الهی از هر سو بر بندگان سرازیر می شوند؛ زیرا این وعده تخلف ناپذیر پروردگار است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ اگر مردم شهرها و دیارها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، ما برکات زمین و آسمان را بر آنان می گشاییم».

در پرتو این عنایت الهی است که از آرزوهای دیرین بشری که همان برچیده شدن و ریشه کن شدن فقر است، تحقق می یابد. پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می فرماید: «هنگامی که مهدی ظهور کند... اموال و زکات ها را در کوچه ها می برند، ولی کسی پیدا نمی شود که حاضر به دریافت آنها باشد». (عقد الدرر، ص ۱۶۶)

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می فرماید: «حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه های زمین برای او ظاهر می گردد و در سر تا سر جهان جای ویرانی نخواهد ماند، مگر این که آن را آباد خواهد ساخت» (اعلام الوری، ص ۴۶۳)



## نش. تکامل علمی و تکنولوژی و پیشرفت برق آسای علوم و فنون

در این عصر، پیشرفت تکنولوژی و علوم به گونه ای برق آسا و غیر قابل مقایسه با دنیای کنونی خواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

« دانش ۲۷ حرف (شاخه و شعبه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی دانند و چون قائم قیام کند، ۲۵ حرف بقیه را بیرون می آورد و در میان مردم منتشر می سازد و بدین سان مجموعه ۲۷ جزء دانش را نشر می دهد. » (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶)

ما با مراجعه به روایات می توانیم به دورنمایی از برخی از پیشرفت های علمی و صنعتی دست یابیم که به آنها اشاره می کنیم.

**الف) پیشرفت صنایع و حل مسئله ی انرژی:** امام صادق علیه السلام می فرماید: « هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند. »

از این تعبیر چنین بر می آید که مسئله نور و انرژی آنچنان حل می شود که در روز و شب از پر قدرت ترین نورها، که می تواند جانشین آفتاب گردد، بهره می گیرند و این شاید در سایه استقرار یک سیستم تکامل یافته ی انرژی اتمی با تصفیه کامل از تشعشعات زیانبار آن تحقق یابد، امری که در حال حاضر بزرگ ترین مشکل استفاده از این انرژی است.

**ب) پیشرفت پزشکی:** در آن عصر هیچ بیماری بدون درمان باقی نمی ماند. امام باقر علیه السلام می فرماید: « هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می شود. » (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵) امام سجاد علیه السلام نیز می فرماید: « هنگامی که مهدی قیام کند، خداوند متعال هرگونه بیماری را از جامعه شیعیان برطرف می کند. » (همان، ص ۳۱۷)

**ج) گسترش و پیشرفت وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی:** یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر را می توان در حوزه ی وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی دانست که نمونه های فعلی آن در جامعه کنونی به صورت رادیو و تلویزیون و ماهواره ها و ... است که گسترش و رشد مضاعفی پیدا خواهند کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: « در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می برد، برادر خود را که در مغرب است می بیند و نیز آن که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق خواهد دید. » (همان، ص ۳۹۱) و نیز می فرماید: « چون قائم ما قیام نماید خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام پست و پیک وجود نداشته باشد به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد. » (همان، ص ۲۳۶)

**د) پیشرفت کشاورزی:** یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر، رشد و توسعه کمی و کیفی دانش و محصولات کشاورزی است. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: « مهدی علیه السلام در شرق و غرب زمین را تسخیر می کند... بدی ها و ناراحتی ها را بر طرف می کند و خیر و نیکی جایگزین آن می شود، به طوری که یک کشاورز از هر من (۳ کیلو) صد من (۳۰۰ کیلو) محصول به دست می آورد، همان گونه که خدا فرمود (بقره، آیه ۲۶۱): « در هر سنبلی صد دانه عمل می آید و خداوند برای هر کس که اراده نماید زیادتیر می کند. » (الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷) البته این امر با دستاوردهای کنونی بشر در زمینه ژنتیک و کاربرد آن قابل هضم است.

این ها نمونه هایی از جنبه های تکامل بشری در عصر ظهور منجی عالم امکان است که دورنمایی از دورانی طلایی و لبریز از معنویت و رفاه است که پاسخ گوی همه ی خواسته ها و انتظارات بشر در طول اعصار متمادی و بسیار فراتر از آن می باشد. برهه ای از زمان که همه ی استعداد های بشر به فعلیت و شکوفایی خواهد رسید. به امید آن که دیدگان ما به قامت دل ربای موعود عصرها و نسل ها منور گردد.

## هفت. گسترش عدالت

یکی از تلخ کامی های بشر در طی قرن ها، فقدان عدالت فراگیر و حاکمیت ظلم و ستم بوده است. امری که ناامیدی و سرخوردگی بشر تشنه عدالت را به دنبال داشته است؛ اما این وعده پروردگار است که در این عصر برای نخستین بار در کل طول عمر زمین و زمینیان، بساط ظلم، ستم و تبعیض برچیده می شود و ذایقه بشر تشنه ی عدالت، حلاوت شهید دل انگیز عدالت را خواهد چشید.

امام جواد علیه السلام می فرماید: « زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد پس از آن که از ظلم و ستم لبریز شده باشد. » (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۳)

در پرتو خورشید فروزان عدالت، هر صاحب حقی به حقیقتش خواهد رسید و دستگاه قضاوت حضرت این امر را سامان خواهد داد. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: « پس از ظهور مهدی علیه السلام هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری باقی نمی ماند، مگر آن که آن حضرت، آن را باز می ستاند و به صاحبش می دهد. » (بحارالانوار، ص ۲۳۴)

## هشت. امنیت عمومی

یکی از مهم ترین مؤلفه های به وجود آمدن جامعه ای پیشرفته و پویا، استقرار امنیت همه جانبه و فراگیر و پایدار است. امری که به لحاظ اهمیت آن، در روایات ما نعمتی الهی معرفی شده است و این خواسته بشری به نحو فراگیر و همه جانبه تنها در عصر موعود محقق خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: « در این زمان پیرزن ناتوانی از مشرق زمین به مغرب می رود در حالی که هیچ کسی متعرض او نمی شود. » و در برخی از روایات دایره ی امنیت و حوزه ی آن، حتی فراتر از انتظارات معمول بشری تعریف شده است.

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می فرماید: « هرگاه قائم ما قیام کند آسمان باران خود را می بارد و درندگان با چهارپایان از در آشتی وارد می شوند و با انسانها کاری ندارند، تا جایی که زنی از عراق به شام می رود، بدون این که ذره ای او را نگران سازد یا از درنده ای بترسد. » (همان، ص ۳۱۶)